

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (پیاپی ۷۰)

۷۰



- تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر» / رضا غفوری / ۹
- کلمات مختوم به «-ای» و «-وی» در متون قدیم فارسی... / مسعود راستی پور / ۲۷
- «جامع الحساب»: اثری فارسی منسوب به نصیرالدین طوسی در حساب هوایی / فاطمه سادات سعادت‌مند / ۴۹
- اقتباس شیرعلیخان لودی از «جامع الصنائع والاوزان» سیف جام هروی... / امید شاه‌مرادی / ۷۳
- سابقه پیوند وزن شعر و موسیقی در متون کهن / بهراد بنایی / ۸۵
- «گرشاه‌نامه»: تلفیق شاهنامه و گرشاسب‌نامه در برخی از دست‌نویس‌ها... / علی اصغر ابراهیمی و نیچه / ۱۱۹
- احتمال الحاقی بودن غزلی مشهور در دیوان حافظ / امیر شفق / ۱۴۱
- دو نسخه کهن به‌یغمارفته از منظومه «دولرانی خضرخان»... / مهدیه اسدی و بیژن ظهیری ناو / ۱۵۷
- روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی / هادی بیدکی / ۱۷۹
- اربعین‌نگاری صوفیان: بررسی و تصحیح اربعینات منظوم از قطب محیی کوشکناری / احسان پورابریشم / ۱۹۹



فهرست

- سخن سردبیر..... ۵
- تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر» / رضا غفوری ۹
- کلمات مختوم به «- ای» و «- وی» در متون قدیم فارسی... / مسعود راستی پور..... ۲۷
- «جامع الحساب»: اثری فارسی منسوب به نصیرالدین طوسی در حساب هوایی / فاطمه سادات سعادت‌مند..... ۴۹
- اقتباس شیرعلیخان لودی از «جامع الصنایع والاوزان» سیف جام هروی و... / امید شاه‌مرادی..... ۷۳
- سابقه پیوند وزن شعر و موسیقی در متون کهن / بهراد بنایی..... ۸۵
- «گرشاه‌نامه»: تلفیق شاه‌نامه و گرشاسب‌نامه در برخی از دست‌نویس‌ها... / علی اصغر ابراهیمی وینیچه..... ۱۱۹
- احتمال الحاقی بودن غزلی مشهور در دیوان حافظ / امیر شفقت..... ۱۴۱
- دو نسخه کهن به‌یغمارفته از منظومه «دلرانی خضرخان»... / مهدیه اسدی و بیژن ظهیری ناو..... ۱۵۷
- روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی / هادی بیدکی..... ۱۷۹
- اربعین‌نگاری صوفیان: بررسی و تصحیح اربعینات منظوم از قطب محیی کوشکناری / احسان پورابریشم ۱۹۹
- چکیده انگلیسی / مجدالدین کیوانی..... 3

سخن سردبیر

این شماره از آینه میراث را به احترام غزل‌سرای سرشناس معاصر، امیرهوشنگ ابتهاج، متخلص به «سایه» (د. ۱۹ مرداد ۱۴۰۲) با نام و یاد او آغاز می‌کنیم، نه لزوماً به سبب مهارت و ذوق شاعری او، بلکه به لحاظ ربط بخشی از فعالیت‌های ادبی او با موضوعاتی که در این نشریه عرضه می‌شود. سایه عموماً به عنوان غزل‌سرایی کم‌نظیر (اگر نگوئیم بی‌نظیر از نظر صیقل، همواری و پختگی شعر) شناخته می‌شود. اگر بنا باشد، پس از فروغی بسطامی (د. ۱۲۷۴ق) سه یا چهار شاعر را به عنوان بهترین غزل‌سرایان دوران معاصر پیشنهاد کنیم، بی‌گمان نخستین نامزد سایه خواهد بود. با وجود این، در یادداشت حاضر، فقط آن مقدار از هنر شاعری ابتهاج گفته خواهد شد که به موضوع اصلی ما، یعنی نسخه‌پژوهی و متن‌شناسی او مربوط می‌شود. نقد و ارزیابی شعر او بر عهده پژوهندگان شعر فارسی است، مشروط به این که تنها در باب هنر شاعری او اظهار نظر کنند و موضع‌گیری‌های مفروض سیاسی و خلیقات و راه و رسم زندگی خصوصی، حتی اجتماعی او را در داوری‌های خود دخالت ندهند، چراکه اخلاق شخص دیگر است و هنر او دیگر؛ «انظر إلی ما قال و لا تنظر إلی من قال». اختلاط ضوابط هنر با اصول اخلاق و رویه‌های سیاسی - اجتماعی، داوری‌ها درباره هنر هنرمند را سخت مخدوش می‌کند و اطلاعات موثق و درخور اعتمادی به دست نمی‌دهد. به علاوه، نقد و ارزیابی محتوای اخلاقی و غیراخلاقی گفته‌های شاعر یا نویسنده با خوب و بد اخلاق شخص او فرق می‌کند و نباید یکی را به حساب دیگری گذاشت.

وجهی از امتیازات ابتهاج که در این یادداشت مورد نظر است، آشنایی او با مسائل و تنگناها در تصحیح متون خطی و روش‌های این کار است. سایه را نمی‌توان مصححی

حرفه‌ای شمرد زیرا به نظر می‌رسد که تنها تجربه عملی او در عرصه تصحیح انتقادی مربوط می‌شود به تلاشی که او برای عرضه روایتی حتی‌المقدور نزدیک به اصل دیوان مراد و محبوب خود، حافظ شیراز کرده است. او این کار را نه به سفارش فلان ناشر که به انگیزه ارادتی که به خواجه داشت بر عهده گرفت و ناموفق هم نبود. ثمره چند سال کوشش او در ۱۳۷۳ش، به اهتمام «نشر کارنامه» منتشر، و بارها تجدید چاپ شد.^۱ او در مقدمه خود بر دیوان تصریح می‌کند که در تصحیح دیوان حافظ از «موازین نویافته‌ای» بهره گرفته و فروتنانه ابراز امید می‌کند که «اگر نکته‌ای درخور اعتنا و مایه گشایشی بود، به همت و هنر صاحب‌نظران... توسعه یابد» (ص ۲۱). بنابراین، او هیچ ادعایی ندارد که کار را تمام کرده است.

سایه ضمن صحیح و معتبر دانستن این اصل اساسی اکثر حافظ‌پژوهان که باید بر کهن‌ترین نسخه یا نسخه‌های خطی تکیه کرد، سه اشکال را یادآور می‌شود که محقق را از اتخاذ بی‌چون‌وچرای این اصل بر حذر می‌دارد:

اول این است که تاریخ نسخه‌های کهن بسیار با هم نزدیک است چنان‌که ۱۴ نسخه مستند شادروان استاد خانلری هر کدام یک تا چهار سال، و تنها نسخه‌های ل و م نه سال از هم فاصله دارند و این مدت بسیار کمتر از آن است که مشمول حکم مرور زمان و موجب تحریف و تصرف در آن شود.

دوم این که تاریخ نسخه‌ها، تاریخ کتابت است و هیچ یک از کاتبان نگفته‌اند که متن را از کجا آورده‌اند. چه بسا کاتبی دیرتر از دیگری، ولی از منبعی نزدیک‌تر به شاعر نوشته باشد. سوم این که شاید در جهان هیچ متنی چون دیوان حافظ نباشد که پدیدآورنده خود این همه تغییر و تبدیل در آن روا داشته باشد (ص ۲۰).

این هر سه مطلب سایه بجا و شایسته امعان نظر است. مع‌ذلک، چنین می‌نماید که تأکید او بیشتر بر اشکال سوم باشد؛ یعنی اکثر اختلاف‌های نسخ را، آن قدر که حاصل وسواس و کمال‌گرایی خواجه شیراز می‌شناسد ناشی از دخل و تصرف یا کم‌سوادی کاتبان نمی‌داند. این اشکالی است که درباره هیچ شاعر دیگری - لاقلاً با این تأکید و صراحت - شنیده نشده است. درست هم همین است، چراکه هیچ سراینده دیگری را نمی‌شناسیم که به قدر حافظ

۱. ارجاعات در این نوشته، به مقدمه حافظ به سعی سایه (چاپ سوم، ۱۳۷۶) است.

در گزینش الفاظ پاکیزه، ناب، خوش‌آهنگ و چینش کلمات و موسیقی شعر موشکافی و مشکل‌پسندی نشان داده باشد.

سایه که خود سخت تحت‌تأثیر این انتخاب وسواس‌آمیز اجزاء سخن و دلنشینی موسیقی در شعر حافظ بود، در ویرایش غزلیات او نیز همین ویژگی‌ها را ملاک عمده خود قرار داده، و طبق آن، نزدیک‌ترین روایات محتمل از ابیات او را پیشنهاد کرده است. البته سایه توفیق در این کار حساس را مشروط به «دوری جستن از آفت عادت و جستن از دام ذوق و پسند روز» (ص ۲۱) دانسته است: شرطی بسیار سنگین و دشواریاب!

حرکت تدریجی حافظ به سوی کمال و پختگی بیش از پیش از سویی، و ورود بیش از پیش ظرافت، ایهام و نازک‌خیالی در ترانه‌های او و افزایش بُعد موسیقایی آن از دیگر سو، پیوند و درهم‌آمیختگی صورت و معنی را در شعر حافظ به اوج رسانده است؛ و این وظیفه مصحح دیوان او را به مراتب سخت‌تر و خطرناک‌تر می‌کند. سایه تصریح می‌کند که «از صورت شعر حافظ سخن‌ها می‌توان گفت و بسیار گفته‌اند» (ص ۱۹). به عقیده سایه، آنچه شعر حافظ را لغزنده، «گریزنده» و دور از دسترس می‌کند، «همدستی» و «همداستانی» صورت و معنا در شعر اوست. او در ۳۱ نسخه دست‌نویس دیوان حافظ به دنبال محتمل‌ترین همداستانی‌های صوری و محتوایی ابیات خواجه می‌گردد تا مگر به حافظانه‌ترین آنها دست یابد، و «با احتمالی نزدیک به یقین بتوان گفت دیوان کاملی از آن خاکی افلاکی فراهم شده است» (ص ۲۱). سایه برای کشف روایاتی که او را به فراهم‌ساختن چنان دیوان کاملی کمک می‌کرده، روایات یک‌به‌یک نسخه مورد‌مراجعه خود را به دقت سبک و سنگین کرده، حافظانه‌ترین را به نظر خود برگزیده است. به باور او، از میان این نسخ، بهترین همه نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی است که «پس از گذشت پنجاه و چند سال، هنوز معتبرترین نسخه و مأخذ و منبع کلام حافظ است» (ص ۴۸). مع‌ذلک، این تأکید بر پیوند تنگاتنگ و متقابل صورت و معنا در غزل‌های حافظ باعث غفلت او از اصل قدمت نسخ دیوان نشده است؛ منتها به نظر او، چنانچه نسخ نیمه اول قرن نهم برای گشودن گره‌ها کارساز نبود، می‌توان، و باید، به نسخ بازمانده از نیمه قرن نهم و حتی دیرتر نیز مراجعه کرد.

شاید بتوان گفت که سایه ملاک‌های تصحیح دیوان حافظ را از بیت‌بیت همین دیوان گرد آورده است. مطالعه مستمّر دیوان و تعمّق شیفته‌وار وی در این اثر آسمانی، نقشی از پیکره ذهن و زبان خواجه در ضمیر او ترسیم کرد و تدریجاً نشانه‌هایی از هویت شعر خواجه در دل و جان وی پدید آورد. این نشانه‌ها باید همان ملاک‌هایی باشد که او از آنها به‌عنوان «موازین تازه» یاد کرده است. در واقع، این موازین نه آشکار بر همه کس، ولی محسوس برای امثال سایه، در حکم «نقشه راه» ابتهاج در کشف اسرار فکری و ظرافت‌های هنری حافظ و پیوندهای لطیف میان صورت و محتوای شعر وی بوده است.

حاصل کلام این‌که هوشنگ ابتهاج صرفاً شاعری با طبع و ذوق سرشار نبود، بلکه هم شعرشناسی صاحب‌نظر بود هم دستی در متن‌شناسی و نسخه‌پژوهی داشت، گواهی که دامنه فعالیت او در حوزه اخیر بسیار محدود بود.

م. ک.



Table of Contents

Editorial	5
Tūr in Iran's <i>Pahlavāni</i> (heroic) texts: Introducing "The Story of Tūr b. Jahāngir" / Reza Ghafouri	9
Words ending in <i>-āy</i> and <i>-ūy</i> in Persian old texts; Some practice in the techniques of pronunciation / Masoud Rastipoor	27
Jāmi' al-ḥisāb: A Persian work attributed to Naṣīr al-Dīn Ṭūsī on <i>Ḥisāb al-hawā'</i> / Fatima Saadatmand	49
Shir Ali Khān Lūdi's adaptation from <i>Jāme' al-sanāye'</i> by Seif-e Jām of Herat, and some observations on the amendment of <i>Mer'āt al-khiyāl</i> / Omid Shahmoradi	73
Historical connection between poetic metres and musical rhythms in ancient texts / Behrad Banaie	85
"Garshāhnāmeḥ": The incorporation of <i>Garshāsbnāmeḥ</i> 's couplets into afew of the <i>Shāhnāmeḥ</i> 's MSS in accordance with the sequence of the tale / Ali Asghar Ebrahimi-vinicheh	119
The possibility that a well-known ghazal attributed to Hafiz Is not actually his / Amir Shafaqat	141
Two stolen old manuscripts of "Devalrāni Khīzr Khān" poem transcribed by Darvish Mohammad b. Ali / Mahdieh Asadi & Bijan Zahiri Nav	157
The accounts of <i>Leili o Majnun</i> in Kurdish literature / Hadi Bidak	179
Sufi <i>Arba'in-negāri</i> (compiling 40 traditions): Examination and correction of the <i>Arba'iniyāt</i> composed by Qotb al-Din Mohyi of Kūshkenār / Ehsan Pourabrisham	199

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 20, Issue No. 1 (70), 2022

